

است. حکومت در بطن جامعه و در درون مردمان منتشر و به تعبیری عمومی و همگانی می‌باشد. حتی اینکه امام راحل، شرط مرجعیت را از رهبری برداشتند و فقاها را برای آن کافی دانستند نوعی عمومی کردن امکان رهبر شدن و باعث تداوم آن بود.

در ادبیات اسلامی، دولت و مردم، جدا از هم و در حالت معامله با هم تلقی نمی‌شوند که دولت مثل یک کارگر در ازای پول خدمت کند. این فرهنگ، به مرور دولت را ناکارآمد می‌کند. دولت اسلامی در شرایط معامله با مردم قرار ندارد. کارآمدی وقتی است که دیواری بین دولت و مردم کشیده نشود. وقتی این دیوار برداشته شود، عمومی شدن دولت اتفاق می‌افتد. آن چیزی که تخیل دولت اسلامی را به وجود می‌آورد، عبارت از برداشته شدن دیوار بین مردم و دولت، حل مشکل دیوان سالاری و احساس دخالت مردم در فرایند حکمرانی است.

دولت وجه تشخیص یافته یک ملت است که قرار است بار زندگی را بر دوش بکشد و نه اینکه سربر جامعه و دست‌وپاگیر و مزاحم زندگی مردم باشد. دولت باید با مدیریت، سیاست‌گذاری، ارائه تسهیلات و رفع موانع مشکلات را تبیین کند تا خود مردم آن‌ها را حل کنند. شعار سال ۱۴۰۰ که عبارت از پشتیبانی و مانع‌زدایی از تولید بود باید در همه عرصه‌های فعالیت

